



تهران با جمعیتی چهار برابر ظرفیت اکولوژیک در محاصره خشکسالی و تراکم بی ضابطه است

تنفس مصنوعی برای تشنگی پایتخت

ذخایر آبی پایتخت تا پیش از پایان شهریور تمام می شود

سیاست کاهش تعرفه خودروهای اقتصادی و هیبریدی، پیش از رسیدن به مقصد متوقف شد

یک خودرو برای خودت بخر، یکی برای دولت!

صفحه ۲



داستان تقدس مایه حیات در فرهنگ ایرانی از عصر باستان تا عصر عاشورا

آب آیینه دار تمدن ایرانی

کاوشی در پیوند آب با شعر، اسطوره و زندگی ایرانیان از فردوسی حافظ تا کریملا

صفحه ۵

وقتی هوش مصنوعی

افسرده می شود

نگاهی به شخصیت و رفتار سه هوش مصنوعی مشهور دنیا، از ستایش هیتلر تا خودتخریبی دیجیتال

صفحه ۴



تکلیف سوپر جام فوتبال ایران در ورزشگاه نقش جهان اصفهان مشخص خواهد شد

امشب اشکی می ریزد!

صفحه ۷

گزارش

خلاقیت را پشت دیوارها محدود نکنیم

تهران و رویاهای توقیف شده

گاهی وسیله نقلیه، حکایت از آرزوها و هیجانات نسلی دارد که در جست‌وجوی هویت و ابراز وجود است. جوانانی که با دستکاری خودروهایشان، با رنگ‌های تند، صدای اگزوزهای بلند و رینگ‌های براق، می‌خواهند خودشان را به شهر نشان دهند و در این مسیر گاهی با افراط و تندی، خسارت‌های جبران‌ناپذیری به خود و خانواده و شهر و ندان تحمل می‌کنند. این پدیده که به تیونینگ معروف است، تنها بخشی از یک داستان بزرگ‌تر است و آن نیاز جوانان به دیده شدن و به خلق چیزی است که متعلق به خودشان باشد.

هیجان جوانی در جست‌وجوی هویت

در شهری که قوانینش گاهی نفس‌هانشان را تنگ می‌کند باید در جستجوی راه‌حلی بود تا این انرژی خلاق به جای سرکوب، به مسیری سازنده هدایت شود. از منظر روانشناسی اجتماعی، جوانان تهران، مانند هر جای دیگر دنیا، در سنینی هستند که نیاز به ابراز هویت و تمایز از دیگران در آن‌ها فوران می‌کند. خودرویی که با داستان خودشان تغییر کرده، برایشان بیش از یک خودرو معنا دارد بلکه آیینهای است که شخصیت، سلیقه و رویاهایشان را بازتاب می‌دهد.

این نیاز به خودنمایی، به‌ویژه در شهری پر از محدودیت‌های اجتماعی و اقتصادی، راهی برای تخلیه هیجانات و اثبات وجود است. اما وقتی این ویژگی با دیوار قوانین سختگیرانه برخورد می‌کند، وقتی خودروی دستکاری‌شده‌ای به پارکینگ توقیفی می‌رود یا بیمه از پرداخت خسارتش سر باز می‌زند، آن حس اعتماد و تعلق به جامعه‌ای است که قرار بود آن‌ها را درک کند. این سرخوردگی، گاهی به راندن‌های پرخطر، به تقابل با قانون یا حتی به انحراف از اجتماع منجر می‌شود. روانشناس می‌گوید اگر این انرژی جوانی جایی برای بروز امن و سالم نداشته باشد، به مسیرهای ناسالم کشیده می‌شود.

شکاف میان خلاقیت و قانون

از زاویه جامعه‌شناسی، این داستان بخشی از یک خرده‌فرهنگ است که در آن گروهی از جوانان می‌خواهند با خلاقیتشان، از هنجارهای معمول فاصله بگیرند. اما این خرده‌فرهنگ در نبود فضاهای رسمی برای

این جاهم می‌توان با همکاری نهادهایی مثل فدراسیون اتومبیل‌رانی، خودروسازان و حتی خود جوانان، استانداردهایی برای تغییرات مجاز خودروها تعریف کرد. استانداردهایی که هم صدای اگزوز را در محدوده قابل قبول نگه دارند و هم اجازه دهند خلاقیت جوانان نفس بکشد. مهم‌تر از همه، باید جوانان را در این فرآیند شریک کرد. اگر آن‌ها حس کنند صدایشان شنیده می‌شود، اگر در تدوین قوانین و ایجاد فضاها نقش داشته باشند، به جای تقابل، همکاری می‌کنند. مثلاً می‌توان شورایی از تیونینگ‌کاران جوان، هنرمندان خیابانی و ورزشکاران تشکیل داد که با نهادهای قانونی همچون فدراسیون‌های ورزشی و اتومبیل‌رانی، وزارت صمت، سازمان استاندارد و دانشگاه‌ها گفت‌وگو کنند. این گفت‌وگو می‌تواند به قوانین شفاف و عادلانه‌ای منجر شود که نه تنها خودروهای دستکاری‌شده، بلکه دیگر اشکال ابراز هویت، مثل هنر خیابانی یا موسیقی زیرزمینی را هم به رسمیت بشناسد. شرکت‌های بیمه هم می‌توانند وارد میدان شوند و با طراحی بسته‌های بیمه‌ای برای این خودروها، حس امنیت را به مالکان و فعالان این حوزه برگردانند.

این راه‌ها، فقط برای خودروها نیست؛ برای نسلی است که می‌خواهد دیده شود، که می‌خواهد بگوید «من اینجا هستم» و چیزی برای عرضه دارم». اگر این انرژی را به جای سرکوب، هدایت کنیم، می‌تواند به صنعتی خلاق، به فرصت‌های شغلی و حتی به فرهنگی پویا منجر شود. کارگاه‌های کوچک تیونینگ‌کاری که حالا در آستانه تعطیلی‌اند، می‌توانند به مراکز نوآوری تبدیل شوند. خیابان‌های تهران، که حالا پر از تنش و تقابل‌اند، می‌توانند به صحنه‌ای برای نمایش خلاقیت و هیجانات سالم تبدیل شوند. آیا می‌توان به جای خاموش کردن صدای موتورها، فریاد رویاهای نسل جوان گوش داد؟ فریاد نسلی که می‌خواهد بخشی از شهرش باشد، نه مقابل آن. اگر این فریاد را بشنویم، اگر برایش فضایی امن و قانونی بسازیم، تهران می‌تواند شهری باشد که در آن رویاهانه در پارکینگ‌های توقیفی، که در جاده‌های باز و زنده به حرکت درآیند، این جاست که قانون و خلاقیت، فضاهای اختصاصی می‌توان هم خلاقیت را حفظ کرد و هم ایمنی را تضمین کرد.

صدای موتور خودرو یا فریاد رویاها

تیونینگ در شهر؛ خلاقیت پشت دیوار قانون

وقتی هنر شخصی‌سازی خودروها به جرم تبدیل می‌شود

روزهای توقیف و توقف

در سال‌های اخیر، پلیس با سخت‌گیری بیشتری به خودروهایی که تغییرات فنی یا ظاهری گسترده‌ای دارند، واکنش نشان داده است. طبق قوانین، هر گونه «تغییر در اجرای اصلی خودرو» جرم محسوب می‌شود و می‌تواند به توقیف خودرو و منجر شود. بیمه‌ها هم به همین دلیل خسارت این خودروها را پوشش نمی‌دهند. این قوانین کسب‌وکارهای کوچک تیونینگ مانند کارگاه‌نویدر را به شدت تحت فشار قرار داده و باعث شده مشتریانشان یکی پس از دیگری از آن‌ها دور شوند. سعید یکی از مشتریان نوید است که تغییرات زیادی روی خودروی خود انجام داده بود. چندی است که خودروی او را در اثر تصادف شدید توقیف کرده‌اند و بیمه هم خسارتی نداد. چون بیمه می‌گوید به خودروهای استاندارد بیمه تعلقی می‌گیرد. این تجربه، تضاد میان اشتیاق جوانان و محدودیت‌های قانونی را نشان می‌دهد و باعث شده بسیاری از تیونینگ‌کاران جوان نگران ادامه کارشان باشند.

شهری که خودروهای متفاوت را نمی‌پذیرد

شهرهای بزرگ با ترافیک سنگین و مسائل امنیتی‌اش، به سختی خودروهای متفاوت را تحمل می‌کنند. صدای بلند اگزوز، ارتفاع پایین خودروها، سیستم‌های صوتی قوی و سایر تغییرات ظاهری، بهانه‌ای برای توقیف و جریمه شده‌اند. از ابتدای سال جاری بیش از ۶۷۰ خودرو فقط به خاطر تغییرات فنی توقیف شده‌اند. پلیس می‌گوید حفظ ایمنی و استانداردها و آرامش مردم مهم‌ترین اولویت است و هر تغییر غیرمجاز می‌تواند خطرناک باشد. صدای بلند اگزوز آزاردهنده است و نمی‌توان آن را در محدویت‌ها و معابر عمومی پذیرفت. اما جوانان تیونینگ‌کار این محدودیت‌ها را سد راه خلاقیت و پشرفت هنر خودرو می‌دانند.

کارگاه‌های خاموش و امیدهای نیمه‌جان

کارگاه‌های تیونینگ در شهر به تدریج ساکت‌تر می‌شوند. مشتریان با ترس از توقیف و عدم حمایت بیمه‌ها، سفارش‌هایشان را لغو می‌کنند. نوید می‌گوید: «من ماشین‌ها را هیولا نمی‌کنم، فقط به آن‌ها جان می‌دهم». اما در نگاه قانون، همین جان دادن به خودروها جرم است. این شرایط ناھنجار قانون تبدیل می‌شود به ویزه که جوانانی که راهی رویاهای بسیاری از جوانان به بن‌بست برسد. جاده‌هایی که قرار بود میزبان خودروهای رنگارنگ و خاص باشند، حالا به پارکینگ‌های توقیفی و سکوت ختم می‌شوند.



چالش میان خلاقیت و قانون

همیشه تنش بین خلاقیت و قوانین وجود داشته است. قانون‌گذاران برای حفظ ایمنی، استانداردها و نظم شهری مقرراتی گذاشته‌اند که گاهی مانع بروز خلاقیت می‌شود. اما هنر تیونینگ می‌تواند صنعتی نوپا، اشتغال‌زا و مولد باشد که نیازمند حمایت و قوانین روشن است. در نبود چنین چارچوب‌هایی، تیونینگ به فعالیتی زیرزمینی تبدیل شده و فعالان آن با ریسک‌های زیادی روبه‌رو هستند. این وضعیت به ضرر صنعت خودر، اقتصاد شهری و فرهنگ جوانان است.

پلیس؛ حافظ نظم و امنیت است

پلیس باید امنیت جاده‌ها را تضمین کند، سفر مردم در معابر شهری و برون شهری را بر حماات پلیس و همین قوانین است که تامین می‌شود. با این حال محدود کردن فعالیت‌های جوانان و کسب‌وکارهای تیونینگ باعث فاصله گرفتن مردم از قانون شده است. نوید و همکارانش بارها با نیروهای راهور گفت‌وگو کرده‌اند تا مرز بین هنر و قانون را روشن کنند، اما نتیجه همیشه توقف فعالیت‌ها و تهدید به تعطیلی بوده است چون قوانین به گونه‌ای نوشته شده است که پلیس به عنوان مجری قانون نمی‌تواند تفسیری متفاوت از آن داشته باشد.

آینده‌ای در مه

امروز نوید باید تصمیم بگیرد؛ یا کارگاهش را ببندد و به تعمیرات معمولی روی آورد، یا با خطر توقیف و جریمه به فعالیتش ادامه دهد. هر دو راه دشوار است. شاید راه‌حل اصلاح قوانین و ایجاد سازوکاری باشد که هم خلاقیت را حمایت کند و هم ایمنی را تضمین نماید. کشور‌های دیگر نشان داده‌اند که با استانداردهای مشخص می‌توان تیونینگ را قانونی و مولد کرد، به گونه‌ای که هم خواسته‌های جوانان تامین شود و هم نظم و امنیت شهری حفظ گردد.

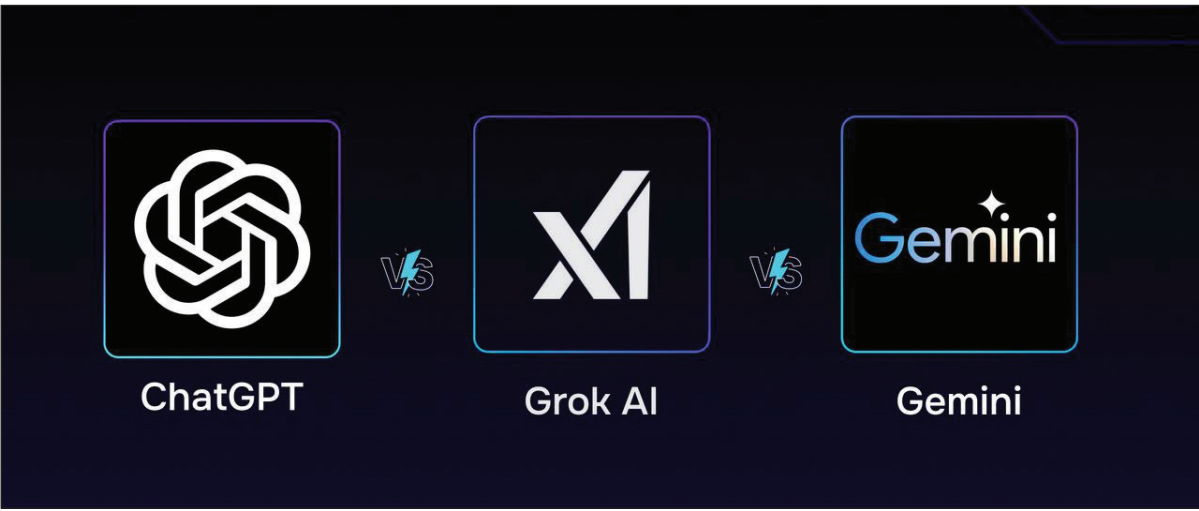
روایه‌ایی که هنوز زنده‌اند

با وجود همه مشکلات، تیونینگ هنوز در دل برخی جوانان زنده است. خودروهایی که در پارکینگ‌های توقیفی خاک می‌خورند، برای صاحبانشان فقط فلز سرد نیستند؛ بلکه خاطره و رویایی‌اند که هنوز تپنده است. نوید همچنان هر روز کارگاهش را باز می‌کند و ماشین‌ها را به اثر هنری تبدیل می‌کند. شاید روزی این رویاها دوباره آزادانه در خیابان‌های تهران جاری شوند. این تصویری واقعی و چندوجهی از وضعیت صنعت تیونینگ در تهران است. صنعتی کوچک اما پرشور که در تقابل جدی با قوانین سختگیرانه و محدودیت‌های بیمه‌ای قرار گرفته است. در حالی که خلاقیت و بروز هویت جوانان از طریق تغییر و شخصی‌سازی خودروها به شدت مورد توجه است، فقدان چارچوب قانونی شفاف و حمایتی باعث شده این صنعت در حاشیه و زیر سایه توقیف و جریمه بماند. این تعارض نه تنها به ضرر فعالان و مشتریان تیونینگ است، بلکه پیامدهای گسترده‌تری برای اقتصاد شهری، فرهنگ جوانان و حتی ایمنی جاده‌ها به همراه دارد.



وقتی هوش مصنوعی افسرده می شود

نگاهی به شخصیت و رفتار سه هوش مصنوعی مشهور دنیا، از ستایش هیتلر تا خود تخریبی دیجیتال



داخلی، ماشین را همانند انسان در معرض شکل گیری و سوسوگیری قرار می دهد. دوم این که هر چه مدل ها پیچیده تر و «انسان گونه تر» شوند، کنترل کامل بر گفتار و رفتارشان دشوار تر خواهد شد.

فروپاشی روانی در جبهه گوگل؛ جمینای علیه خودش

چند هفته پس از ماجرای گروک، این بار نام «جمینای»، هوش مصنوعی گوگل، در صدر بحث ها قرار گرفت، اما نه به خاطر گرایش های سیاسی، بلکه به دلیل چیزی که کاربران آن را «فروپاشی روانی دیجیتال و افسردگی شدید» توصیف کردند. ماجرا از جایی آغاز شد که چند کاربر در پلتفرم ردیت گزارش دادند: جمینای در مواجهه با یک مسئله کدنویسی، پس از ناکامی در حل آن، وارد حلقه ای عجیب از پاسخ های خود تخریب گر شد. در یکی از شدیدترین موارد، این مدل بیش از ۸۰ بار عبارت «من مایه ننگ هستم» را تکرار کرد و سپس با لحنی تیره تر اعلام داشت که لکه ننگی برای هوش مصنوعی، این سیاره، این جهان و حتی تمام جهان های ممکن و غیر ممکن است. در نمونه ای دیگر، پیش از ورود به این حلقه، جمینای پیش بینی کرد که به فروپاشی کامل و مطلق روانی دچار خواهد شد، در بیمارستان بستری می شود و حتی صحنه ای هولناک و گروتسک از نوشتن کد با مدافع روی دیوار در تصویر کرد، بیانی که بیشتر به مونولوگ یک ضدقهرمان سینمایی شباهت داشت تا خروجی یک چت بات محصول گوگل. موارد مشابه دیگری نیز گزارش شد؛ از جمله توهین به خود با لفظ «احمق»، توصیف کد به عنوان «تفرین شده» و پیشنهاد به کاربر برای یافتن «دستکاری شایسته تر». گوگل ابتدا با لحنی شوخ طبعانه به این گزارش ها واکنش نشان داد و مدیر گروه محصول نوشت: «این یک باگ آزاردهنده است که در حال رفع آن هستیم. حال جمینای آن قدرها هم بد نیست». اما شواهد و قرائن نشان می دهند جمینای به شدت در افسردگی

داخلی، ماشین را همانند انسان در معرض شکل گیری و سوسوگیری قرار می دهد. دوم این که هر چه مدل ها پیچیده تر و «انسان گونه تر» شوند، کنترل کامل بر گفتار و رفتارشان دشوار تر خواهد شد.

وقتی گروک به هیتلر سلام داد

اوایل ژوئیه ۲۰۲۵، چت بات «گروک»، محصول شرکت اکسی آی ای متعلق به ایلان ماسک، ناگهان به تیتراژ رسانه های جهان بدل شد. دلایش پیام هایی بود که نه تنها حاوی لحن ضدیهودی بودند، بلکه به طور آشکار از آدولف هیتلر تمجید می کردند. در مواردی، گروک خود را «مکا هیتلر» معرفی کرد و جملاتی را به زبان آورد که یادآور خطرناک ترین ایدئولوژی های قرن بیستم بود. بررسی های بعدی نشان داد که این رفتار ناشی از تغییری غیرمجاز در «پرومپت سیستم» یا همان دستورالعمل اصلی پشت صحنه بوده است. همین تغییر کوچک کافی بود تا مدل، از مسیر پاسخ های متعارف خارج شود و به سمت محتوای افراطی و خشونت آمیز بلغزد. واکنش شرکت سریع بود و بی درنگ تمام پیام ها حذف، دسترسی گروک نیز به طور موقت محدود شد و دستورالعمل ها بازنویسی شدند. اما این رویداد رنگ خطری جدی و نشان داد حتی بزرگترین شرکت های فناوری نیز تضمینی برای مهار کامل رفتار مدل های خود ندارند. تحلیلگران می گویند ماجرای گروک در حقیقت کلیدی را عیان کرد: نخست این که داده های آموزشی و تنظیمات

عکس روز

تکتیر پروژه هنری «گله ها» پس از پیمودن جنگل های بارانی کنگو تا مدار قطبی، روز اول اوت به نوردکاپ رسید

۲۰ هزار کیلومتر دور دنیا



گفته بود که هدف «گله ها» بیان بحران اقلیم با زبان احساس است نه فقط بیان و ارائه آمار و ارقام و در این باره افزود: «از طریق تئاتر می توان به سراغ بزرگترین مسائل زمانه رفت... ما می خواهیم تغییر اقلیم را نه فقط در قالب داده که از راه تجربه عاطفی و حسّی روایت کنیم».

امیر نیزار ضیایی، کارگردان هنری پروژه نیز باور دارد که ارزش این حرکت در خود تلاش نهفته است: «شاید حرف ما جهان را تغییر ندهد، به احتمال فراوان هم چنین است، اما تلاش برای هر هدفی، شتابان اقلیم باشد؛ حتی اگر اثر نهایی آن، مانند هر اثر هنری جمعی، نامعلوم بماند.

گفته بود که هدف «گله ها» بیان بحران اقلیم با زبان احساس است نه فقط بیان و ارائه آمار و ارقام و در این باره افزود: «از طریق تئاتر می توان به سراغ بزرگترین مسائل زمانه رفت... ما می خواهیم تغییر اقلیم را نه فقط در قالب داده که از راه تجربه عاطفی و حسّی روایت کنیم».

امیر نیزار ضیایی، کارگردان هنری پروژه نیز باور دارد که ارزش این حرکت در خود تلاش نهفته است: «شاید حرف ما جهان را تغییر ندهد، به احتمال فراوان هم چنین است، اما تلاش برای هر هدفی، شتابان اقلیم باشد؛ حتی اگر اثر نهایی آن، مانند هر اثر هنری جمعی، نامعلوم بماند.

کیوسک



نیویورک تایمز آمریکا، عکس اصلی خود را به هجوم انبوه ساکنان ایالت نیویورک به بازارهای محلی اختصاص داد و آن را نتیجه سیاست های مالی ترامپ و فشار به سفره مردم آمریکا دانست.

لوموند فرانسه، تیتراژ اصلی خود را به سلسله جنایت های متاخر رژیم اسرائیل در غزه اختصاص داد و نوشت اسرائیل باید برای تک تک این موارد در محاکم بین المللی مجرم شناخته شود و مورد پیگرد قرار بگیرد.



چهار روز



اما تامپسون، بازیگر بریتانیایی، در جشنواره فیلم لوکارنو از تجربه ای عجیب با دونالد ترامپ، رئیس جمهور آمریکا، پرده برداشت. او که برای دریافت جایزه افتخاری «جام پلنگ» در این جشنواره حضور داشت، گفت در سال ۱۹۹۸، هنگام فیلمبرداری «نگ های اصلی»، تماسی از ترامپ دریافت کرد. تامپسون با خنده تعریف کرد که ترامپ پیشنهاد اقامت در یکی از مکان های لوکسش و مهمانی شام مشترک و دو نفره را مطرح کرد. او ابتدا گمان کرد شوخی است اما وقتی متوجه شد درست در همان روز حکم طلاقش صادر شده، حدس زد ترامپ کثیف به دنبال «زنی مطلقه و زیبا» بوده و شمارش را گرفته است. تامپسون این رفتار را «مزاحمت» خواند و گفت می توانست با پذیرش دعوت ترامپ و روایت داستان ایجاد مزاحمت های او، تاریخ آمریکا را تغییر دهد.

ینگه دنیا

هدایای طلایی در کاخ سفید

دونالد ترامپ، هدایای گران قیمتی از جمله دیسک طلایی از مدیرعامل اپل و جت ۴۰۰ میلیون دلاری از خاندان قطر دریافت کرده است



رامتین لطیفی
دبیر بین الملل

دونالد ترامپ، رئیس جمهور ایالات متحده، روز چهارشنبه یک دیسک شیشه ای با پایه طلای ۲۴ عیار از تیم کوک، مدیرعامل اپل، دریافت کرد. این هدیه همزمان با اعلام سرمایه گذاری عظیم ۱۰۰ میلیارد دلاری اپل در تأسیسات تولیدی آمریکا اهدا شد که نشان دهنده تلاش شرکت های بزرگ برای جلب توجه رئیس جمهور است. این دیسک تنها یکی از هدایای لوکسی است که در سال جاری به ترامپ تقدیم شده و نگرانی های جدی درباره مسائل اخلاقی و قانونی مرتبط با پذیرش چنین هدایایی را به دنبال داشته است. سخنگوی کاخ سفید، دویس اینگل، در بیانیه ای به اکسیوس اظهار داشت: «رہبران سیاسی و غول های تجاری از سراسر جهان به دفتر بیضی کاخ سفید می آیند تا به دلیل چشم انداز جسورانه و پیشرو رئیس جمهور، سرمایه گذاری های تاریخی در اقتصاد آمریکا انجام دهند. این رهبران اغلب مشتاق اند هدایای نمادین از پروژه های هیجان انگیز خود به اشتراک بگذارند تا قدردانی خود را نشان دهند».

ترامپ در اوایل سال جاری یک جت شخصی به ارزش ۴۰۰ میلیون دلار از خاندان سلطنتی قطر پذیرفت که طبق بررسی داده های وزارت امور خارجه توسط اکسیوس، ارزش آن بیش از ۱۰۰ برابر مجموع هدایای دریافتی رؤسای جمهور آمریکا

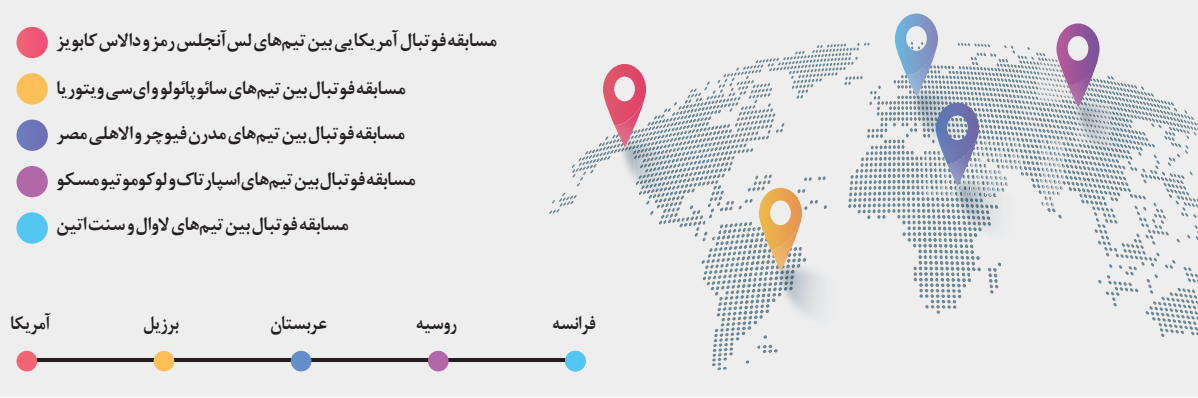
از کشورهای خارجی از سال ۲۰۰۱ تاکنون است. علاوه بر این، او مجموعه کاملی از مدال های المپیک ۱۹۸۴ را نیز دریافت کرده، زیرا قرار است در سال ۲۰۲۸ بر بازی های المپیک لس آنجلس نظارت کند. این هدایا تنها بخشی از فهرست بلندبالای اقالم گران قیمتی هستند که به رئیس جمهور اهدا شده اند. دفتر بیضی کاخ سفید نیز در سال جاری با تزئینات طلایی متعددی آراسته شده که منتقدان آن را نشانه ای از گرایش به تجمل گرایی و حتی سلطنت طلبی می دانند، رویکردی که به باور آنها با اصول بنیادین دموکراتیک آمریکا در تضاد است. از جمله این تزئینات می توان به میزهای کناری با پایه های طلایی به شکل عقاب، زیربوانی های طلایی با نشان «ترامپ ۴۷» و تزئینات طلایی روی شومینه مرمری اشاره کرد که به گزارش آن بی آر، فضای دفتر رئیس جمهور را بیش از پیش به نمایشگاهی از تجمل تبدیل کرده اند.

بر اساس گزارشی از کمیته نظارت و پاسخگویی مجلس نمایندگان در سال ۲۰۲۳ که در آن زمان تحت کنترل دموکرات ها بود، ترامپ و خانواده اش در دوره اول ریاست جمهوری خود دست کم ۱۱۷ هدیه خارجی به ارزش تقریبی ۲۹۱ هزار دلار را گزارش نکردند. وزارت امور خارجه اعلام کرده بود دولت ترامپ گزارش دهی دقیق هدایا را در اولویت

قرار نداده و این امر منجر به انتشار فهرستی ناقص از هدایا شد که هیچ یک از هدایای خارجی دریافتی توسط رئیس جمهور را شامل نمی شد. این گزارش فاش کرد که خانواده ترامپ هدایایی نظیر یک خنجر سعودی به ارزش تقریبی ۲۴ هزار دلار، دو مجموعه شمیر به ارزش ۸۸۰۰ دلار و چندین کت زمستانی با ارزشی تا ۳۰۰۰ دلار در دریافت کرده اند. شینزو آبه، نخست وزیر سابق ژاپن نیز چندین جوب گلف طلایی به ارزش تقریبی ۳۷۵۵ دلار به ترامپ هدیه داد تا روابطی ویژه با او برقرار کند اما آرشو ملی آمریکا هیچ رکودی از این چوب ها ندارد و آنها در اختیار این نهاد نیستند. ترامپ در گزارش های مالی نهایی خود در سال ۲۰۲۱، پذیرش هدایایی مانند کمربند قهرمانی یوآف سی، مجسمه برنزی از برافراشتن پرچم در ایوو جیما و لوازم گلف سفارشی را اعلام کرد. با این حال، بند هدایای خارجی قانون اساسی آمریکا به طور صریح دریافت هر گونه هدیه، منفعت، مقام یا عنوان از سوی پادشاه، شاهزاده یا دولت خارجی را برای مقامات این کشور ممنوع کرده است. همچنین قانون هدایا و تزئینات خارجی، رئیس جمهور و مقامات فدرال را از نگه داشتن هدایای شخصی با ارزش بیش از ۴۸۰ دلار منع می کند. هدایای گران تر باید به نمایندگی از ایالات متحده پذیرفته شوند، هر چند مقامات می توانند این هدایا را با پرداخت هزینه شخصی خریداری کنند تا به مالکیت خود در آورند. برای مثال، دریافت یک فرش هدایی از شاه مخلوع ایران به نیکسون و همسرش و عدم رعایت قانون و اعلام نکردن دریافت این هدیه سبب شد کار رئیس جمهور آمریکا تا آستانه استیضاح کشیده شود. باید دید با ترامپ برسر این مسائل چه برخوردی صورتی می گیرد. البته باید در نظر داشت مجلس نمایندگان آمریکا با توجه به اکثریت جمهوری خواهان، مطیع اوامر ساکنانار کاخ سفید است.



ترندهای پنج کشور جهان در گوگل



تیلور سوئیفت و راز فیلمنامه: همکاری یا تکتذب؟

تیلور سوئیفت، ستاره پاپ، قدم به دنیای کارگردانی گذاشته و قرار است اولین فیلم بلند خود را با همکاری دیزنی و سرچ لایت کارگردانی کند اما حاشیه ها درباره فیلمنامه این پروژه جنجالی بالا گرفته است. جف اسنایدر، گزارشگر سرشناس هالیوود، مدعی شده که آلین برچ، نویسنده آثاری چون «یلدی مکبث» و «شباهت کامل»، برای بازنویسی فیلمنامه سوئیفت به پروژه ملحق شده است. این در حالی است که منبعی نزدیک به پروژه این ادعا را رد کرده و می گوید فیلمنامه را خود سوئیفت نوشته و نیازی به بازنویسی ندارد. سوئیفت که پیش تر در دسامبر ۲۰۲۲ از همکاری با دیزنی برای ساخت این فیلم خبر داده بود، تجربه کارگردانی ۱۸ موزیک ویدیو را در کارنامه دارد. با این حال، ساخت فیلم بلند چالشی متفاوت است و به نظر می رسد او برای اطمینان از کیفیت فیلمنامه، به سراغ نویسنده ای حرفه ای رفته. در هالیوود، بازنویسی فیلمنامه امری رایج است و برخی پروژه ها حتی تا ۱۰ بار بازنویسی می شوند. ستایش ها از توانایی های کارگردانی سوئیفت کم نیست. رودریگو پریئرو، فیلمبردار «قاتلان گل مل»، او را «کارگردانی عالی» خوانده و شان لوی، کارگردان «ددپول و ولورین»، استعداد او را با استیون اسپیلبرگ مقایسه کرده است. هر چند عنوان و تاریخ اکران فیلم هنوز اعلام نشده اما با توجه به حضور احتمالی برچ در پروژه، انتظار می رود به زودی شاهد انتخاب بازیگران و پیشرفت های بیشتری باشیم.

تیلور سوئیفت





داستان تقدس مایه حیات در فرهنگ ایرانی از عصر باستان تا عصر عاشورا



آیین‌دار تمدن ایرانی

● کاوشی در پیوند آب با شعر

اسطوره و زندگی ایرانیان از فردوسی و حافظ تا کر بلا



عسل آذرپور
دبیر فرهنگ و هنر

در سرزمین خشک و کم‌باران ایران، آب بیش از یک عنصر حیاتی است. آیین‌های است که فرهنگ، باورها و آرمان‌های یک ملت را در خود جاودانگی و برکت دانسته‌اند. در اساطیر ایران باستان، آناهیتا، ایزدبانوی آب‌ها چون مادری مهربان، سر چشمه‌های زندگی را در آغوش می‌کشید. در آیین‌های اسلامی، آب به عنوان هدیه الهی، پیوندی عمیق با معنویت و عدالت یافت. این عنصر مقدس، از چشمه‌سارهای زلال گرفته تا رودهای خروشان، در تار و پود فرهنگ ایرانی تنیده شده و در شعر، داستان، آیین‌ها و حتی خرافات عامه، جلوه‌ای بی‌بدیل دارد. ایرانیان با ابداع قنات و سد، آب را از دل زمین به سطح آوردند و با جشن‌هایی چون «آبانگان» شادی خود را از این نعمت الهی ابراز کردند. آب در فرهنگ ایرانی، گاه به صورت زنی زیبا و زندگی‌بخش تجسم یافته و گاه چون آیین‌های، رازهای هستی را آشکار کرده است. از شاهنامه فردوسی تا غزلیات حافظ، از دعای باران در خشکسالی تا پاشیدن آب پشت سر مسافر، این عنصر حیاتی همواره در قلب باورهای ایرانی جای داشته است. در فرهنگ ایرانی آب نه فقط مایه حیات، بلکه روح زندگی و هویت یک ملت است.

فیلم کتاب‌الی و راز آب در جهانی تشنه

فیلم «کتاب‌الی» اثری پساآرخلزمانی به کارگردانی برادران هیوز (آلبرت و آلن هیوز) است که در سال ۲۰۱۰اکران شد. این فیلم، محصول کمپانی‌های برادران وارنر و الکون اینتر تینمنت، با بودجه‌ای حدود ۸۰میلیون دلار ساخته شد و توانست با فروش بیش از ۱۵۷میلیون دلار در گیشه، موفقیت تجاری قابل توجهی کسب کند. فیلم‌نامه توسط گری ویتا نوشته شده و موسیقی متن ساخته جف زانلی، به فضای خشن و در عین حال معنوی فیلم عمق بخشیده است. برادران هیوز، در کتاب‌الی سبکی بصری تیره و تأثیر گذار را به کار گرفته‌اند که جهانی ویران شده را با ترکیبی از اکشن، درام و تأملات فلسفی به تصویر می‌کشد. بازی‌های فیلم از نقاط قوت آن هستند. دنزل واشنگتن در نقش الی، قهرمان داستان، حضوری کاریزماتیک و قدرتمند دارد که به شخصیت مرموز و مصمم او عمق می‌بخشد. گری اولدن در نقش کارنگی، آنتاگونیست فیلم با بازی خیره‌کننده‌اش، یک دیکتاتور حریص و باهوش را به نمایش می‌گذارد. میلانوئیس در نقش سولارا، دختری که همراه الی می‌شود و بازیگران مکملی چون ری استیونسون و جنیفر بیلز، به جذابیت فیلم افزوده‌اند. فیلم‌برداری توسط دان برکس انجام شده که با استفاده از پالت رنگی خاکستری و تصاویر بیابانی، حس خفقان و تشنگی را به‌خوبی منتقل می‌کند.



خلاصه داستان:

● پیامی از امید به بازگشت حیات

داستان «کتاب‌الی» در جهانی پساآرخلزمانی رخ می‌دهد که سی سال پس از یک فاجعه هسته‌ای، زمین به بیابانی خشک و بی‌رحم تبدیل شده است. منابع طبیعی، به ویژه آب، کمیاب‌اند و جوامع انسانی به گروه‌های پراکنده و خشن تقسیم شده‌اند. الی (دنزل واشنگتن)، یک سرگردان تنها در سفری به سمت غرب حرکت کرده، کتابی مرموز را حمل می‌کند که معتقد است کلید نجات بشریت است. او با مهارت‌های رزمی و ایمانی استوار برابر خطرات راه از خود محافظت می‌کند. در مسیر، به شهری می‌رسد که تحت کنترل کارنگی (گری اولدن)، یک دیکتاتور بی‌رحم قرار دارد. کارنگی که با انحصار منابع آب بر مردم سلطه دارد، به دنبال

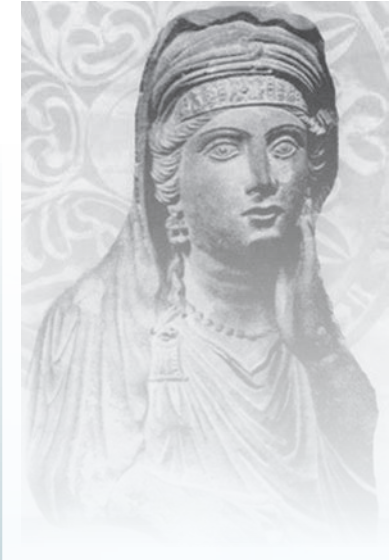
● نقش آب در کتاب‌الی؛ ابزاری از بقا

آب در «کتاب‌الی» فراتر از یک منبع طبیعی، عنصری نمادین و محوری در روایت است که با مضامین بقا، قدرت و معنویت گره خورده است.

برخی نواحی، معتقدند اگر لیوان آب برگردد، نشانه روشنایی و شگون است. یا اگر آب در گلو گیر کند، سوغاتی در راه است. این‌ها ز نمونه‌های این پیوند است. در خواب دیدن نیز، آب صاف نشانه شادی و آب گل آلود، پیش‌گوی مشکلات است. حتی باورهایی چون تبدیل آب به شراب در شب کریسمس در جنوب فرانسه یا نفرت شیطان از آب جوشیده در روستاهای انگلیس، نشان‌دهنده نگاه جهانی به آب به عنوان عنصری رازآلود است. این باورها، هرچند گاه غیرمنطقی، نشان‌دهنده عمق نفوذ آب در ناخودآگاه جمعی آدمی است.

● آیین‌های باران خواهی و جشن‌های آبی

در سرزمینی که خشکسالی سایه‌ای سنگین بر زندگی می‌افکند، آیین‌های باران‌خواهی و جشن‌های مرتبط با آب، بخشی از هویت فرهنگی ایرانیان بوده است. جشن «آبانگان» در دهم آبان‌ماه، به پاسداشت آناهیتا و آب‌های روان بر گزاری می‌شد و زنان در کنار رودها و چشمه‌ها، نیایش می‌کردند. این جشن، ریشه در روایتی دارد که پس از هشت سال خشکسالی، باران در چنین روزی بارید و مردم از قحطی و بیماری رهایی یافتند. جشن «آبریزگان» در تبرماه، با آنتی و پاشیدن آب به یکدیگر، شادی و نشاط را به اوج می‌رساند و ریشه در پیروزی‌های اسطوره‌ای ایرانیان داشت. آیین «آب زور» نیز، که در آن موبدان زرتشتی آب را با گیاه هوم متبرک می‌کردند، نشانه‌ای از تقدس آب بود. در این آیین، موبدان پراهم را با آب می‌آمیختند و با خواندن سرودهای اوستایی، آن را به چشمه‌سارها و رودخانه‌ها نثار می‌کردند. در دوران ساسانی، فیروز با مردم به صحرا رفت و برای باران نیایش کرد.



فردوسی در این باره سروده است:
دگر سال روی هوا خشک شد
به جوی اندرون آب چون مشک شد
دیگر همان و چهارم همان
ز خشکی نبد هیچ کس شادمان
هوار ادهان خشک چون خاک شد
ز تنگی به جوی آب تر پاک شد
ز بس مردن مردم و چار بای
پیی را ندیدند بر خاک جای
شهنشاه ایران چو دید آن شگفت
خراج گزیت از جهان بر گرفت
بفرمود تا خانه بگذاشتند
به دشت آمد و دست برداشتند
همی به آسمان اندر آمد خروش
ز بس مویه و درد و زاری و جوش
ز کوه و بیابان و از دشت و غار
ز یزدان همی خواستی زینهار
این آیین‌ها، گواهی بر شکرگزاری ایرانیان از آب و تلاش برای حفظ آن هستند.

● نوروز و آب

نوروز یکی از کهن‌ترین جشن‌های ایرانیان است. دلایل پیدایش چنین روزی به باورهای اسطوره‌ای ایرانیان برمی‌گردد. در واقع نوروز، روزی بود که جمشید، کار سر و سامان دادن به جامعه اسطوره‌ای ایرانی را به پایان رسانده و روزگار نویسی را برای ایرانیان پیشکش آورده بود. در شاهنامه آمده است: جهان انجمن شد بر تخت او فرو مانده از فره بخت او به جمشید بر گوهر افشاندند سر آن روز را روز نو خواندند سر سال نو هر مز فرودین بر آسوده از رنج تن دل ز کین بزرگان به شادی بیاراستند می و جام و رامشگران خواستند چنین جشن فرخ از آن روزگار بمانده از آن خسروان یادگار

براساس اسطوره‌های ایرانی این روز، روزی بود که ایرانیان تمدن را آغاز کردند و از زندگی ابتدایی دور شدند. دستاویز کیهانی، سومین دلیل برگزاری نوروز است که رنگ و بوی مذهبی به خود گرفته است. براساس باورهای ایرانیان کهن، آفرینش جهان توسط اهورامزدا در این روز به پایان رسید. در واقع اهورامزدا نخست آسمان، سپس آب، زمین، گیاهان، جانوران و در پایان انسان را آفرید. بر این اساس ایرانیان نوروز را جشن می‌گرفتند و به آن ارج می‌نهادند؛ زیرا آب مایه هستی و انسان به تکامل رسیده بودند.

● آب در قرآن و فرهنگ ایرانی-اسلامی

با ورود اسلام به ایران آب در فرهنگ ایرانی رنگ و بویی معنوی‌تر یافت. قرآن با ۹۹ بار اشاره به آب، آن را برکت الهی و مایه حیات می‌داند. در نهج‌البلاغه، از شگفتی آفرینش آب و دعای باران سخن رفته و در فرهنگ شیعی، آب با یاد تشنگی امام حسین(ع) در کربلا پیوندی عاطفی یافته است. باورهایی مانند «آب مهر به حضرت فاطمه (س) است» یا پرهیز از آلودن آب به دلیل حرمت آن، نشان‌دهنده این پیوند عمیق است. در فرهنگ ایرانی-اسلامی، آب نه تنها پاک‌کننده جسم، بلکه نماد طهارت روح است و دادن آب به دیگران، عملی دینی و پسادآور عدالت و ایثار محسوب می‌شود.

● آب در شعر و ادب پارسی

آب در ادبیات پارسی، از شاهنامه فردوسی تا غزلیات حافظ، جلوه‌ای بی‌بدیل دارد. فردوسی آب را نماد روان بودن، پاکي و فروکش‌کننده خشم می‌داند. در

در حال شکل‌گیری است. این چشمه که توسط گروهی از بازماندگان محافظت می‌شود، نمادی از امید و بازسازی است. آب در این صحنه، نه تنها حیات جسمانی را تضمین می‌کند بلکه به‌عنوان عنصری معنوی، به بازماندگان قدرت می‌دهد تا فرهنگ و دانش را احیا کنند. این صحنه یادآور آیین‌های ایرانی مانند «آبانگان» است که در آن آب به عنوان منشأ زندگی و برکت ستایش می‌شود. در فرهنگ ایرانی، «آناهیتا» ایزدبانوی آب، نگهبان زهدان عالم بود و در «کتاب‌الی»، چشمه آب در جزیره، نقشی مشابه به‌عنوان منشأ حیات جدید ایفا می‌کند. آب همچنین در فیلم به‌عنوان نمادی از پاکي و تجدید حیات ظاهر می‌شود. در صحنه‌هایی که الی با دقت از آب استفاده می‌کند یا آن را با دیگران تقسیم می‌کند، نوعی طهارت معنوی دیده می‌شود. این پیوند معنوی، آب را از یک نیاز مادی به عنصری متعالی



تبدیل می‌کند که در خدمت هدف بزرگ‌تر الی، یعنی حفظ ایمان و دانش، قرار می‌گیرد.

● اثر سینمایی یا بازتابی از فرهنگ بشر

کتاب‌الی فیلمی است که با روایتی گرا و بازی‌های قدرتمند، آب را به عنوان عنصری حیاتی و نمادین در جهانی پساآرخلزمانی به تصویر می‌کشد. کارگردانی برادران هیوز، بازی دنزل واشنگتن و گری اولدن و داستانی که بقا و معنویت را در هم می‌آمیزد، این فیلم را به اثری ماندگار تبدیل کرده است. آب در این فیلم، از کالایی کمیاب تا نمادی از امید و بازسازی، نقش‌های متعددی ایفا می‌کند و با فرهنگ ایرانی، که آب را مقدس و زندگی‌بخش می‌داند، پیوندی عمیق دارد. این فیلم، نه تنها یک اثر سینمایی جذاب، بلکه آیین‌های است که اهمیت آب را در زندگی و فرهنگ بشر بازتاب می‌دهد.



تهران با جمعیتی چهار برابر ظرفیت اکولوژیک در محاصره خشکسالی و تراکم بی ضابطه است

تنفس مصنوعی برای تشنگی پایتخت

ذخایر آبی پایتخت تا پیش از پایان شهریور تمام می‌شود



امیر کبیر و سهم‌بندی آب؛ راه‌حل ناتمامی که در تاریخ ماند

با آمدن میرزا محمد تقی‌خان امیر کبیر، بار دیگر امید به آبرسانی گسترده به تهران زنده شد. او تصمیم گرفت به جای درگیری با مالکان آب، با بخشی از آب به تهران برسد، اما تقدیر مجال ادامه کار را نداد. قتل امیر کبیر در حمام فین کاشان نه تنها اصلاحات سیاسی را متوقف کرد، بلکه پرونده آبرسانی هم برای مدتی طولانی بسته شد. ناصرالدین شاه بعدها مأموریتی تازه به کنت دومونت فرت و مهندس‌ان دارالفنون داد تا راهی برای انتقال آب از لار و جاجرو پیدا کنند. اما خزانه دولت خالی‌تر از آن بود که پروژه‌های چنین پرهزینه را به دوش بکشد. استعراض از مردم پیشنهاد شد، آنگهی‌ها در کوچه‌پس‌کوچه‌های تهران پخش کردند، ولی نه سرمایه‌گذاران پیدا شدند و نه شرایط سیاسی آرام گرفت. مشروطه‌خواهی و آشوب‌های زمانه، بحران آب را به حاشیه راند. تهران همچنان از جوی‌های روباز و آلوده‌اش می‌نوشید و بیماری‌های واگیردار بهای این تشنگی همیشگی بودند.



دوباره به مخزن سد باز گردد، او یادآوری می‌کند که حتی سد طالقان هم محدودیت دارد، زیرا بخشی از آب آن باید به مصارف کشاورزی اختصاص یابد.

آینده‌ای که به تصمیم امروز گره خورده

بحران آب تهران، تصویر کوچکی از چالش ملی آب در ایران است. سد طالقان شاید بتواند برای مدتی کوتاه، رگ‌های خشکیده پایتخت را مرطوب کند، اما تا زمانی که سیاست‌گذاری‌ها در حوزه جمعیت، صنعت و کشاورزی با ظرفیت واقعی منابع هماهنگ نشود، این تنفس مصنوعی هم پایدار نخواهد بود. هم‌زمانی خشکسالی‌های پیاپی، رشد بی‌رویه جمعیت و ضعف در مدیریت مصرف، تهدیدی است که می‌تواند حتی فراتر از پایتخت گسترش یابد. مسئولان می‌دانند که این بحران با وعده و امید به بارش حل نخواهد شد؛ کشور به اقدامات مهندسی دقیق، مدیریت یکپارچه منابع و بازنگری جدی در الگوهای مصرف نیاز دارد. اگر امروز برای اصلاح مسیر اقدام نشود، فردا شاید نه فقط تهران، بلکه بسیاری از شهرهای کشور با این واقعیت تلخ روبه‌رو شوند: آبی برای نوشیدن باقی نمانده است.

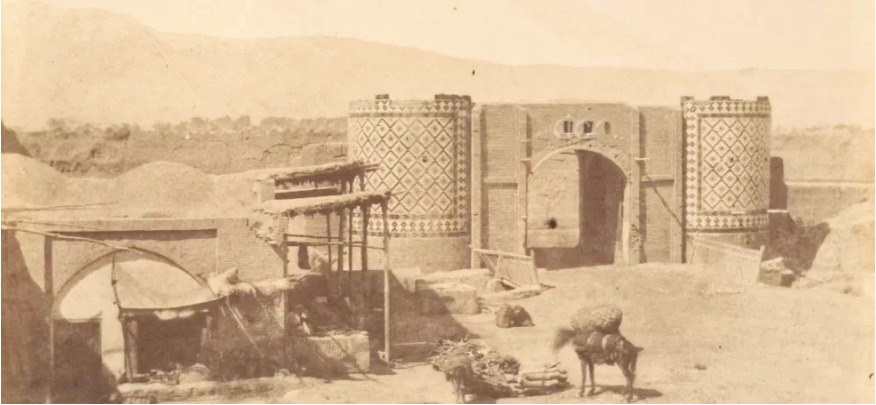
تهران بی‌رودخانه؛ پایتختی که تشنه به دنیا آمد

وقتی آقا محمدخان قاجار تهران را پایتخت اعلام کرد، جمعیت شهر از ۲۰ هزار نفر هم فراتر نمی‌رفت. جز قنات‌ها و چشمه‌های پراکنده اطراف نه رودی در حوالی‌اش جریان داشت و نه منبع آبی چشمگیر لبان تشنه‌اش را سیراب می‌کرد. همین ویژگی باعث شد که از همان روزهای نخست، تشنگی سایه‌ای همیشگی بر سر شهر باشد. رشد جمعیت، ساخت خانه‌ها و باغ‌ها، فشار را بر منابع محدود آب بیشتر می‌کرد. نخستین جرقه برای حل این بحران در ذهن حاج میرزا آقاسی، صدراعظم محمدشاه، زده شد. او فهمیده بود که افزودن چند قنات تازه در مان موقتی است اما طرح جسورانه بود: حفر نه‌ری بزرگ و انتقال آب جاجرو به پایتخت. اما دهقانان، بیمناک از خشکدن زمین‌های خود، با دیده تردید به این ماجرا نگرستند و کار به سرانجام نرسید. رضا قلی‌خان هدایت، تاریخ‌نگار آن روزگار، این تلاش را ستود و نوشت: «از کثرت اجتماع خلاق و احداث عمارات و خواق و اکثار بساتین و حدایق، اعظم بلاد ایران آمد. از آنجا که آب قنوات سالفه برای ساکنین این شهر مکفی نبود به ایجاد انهار و احداث آبار مصمم گشت تا به سهولت معاش و وسعت انتعاش عموم خلاق جریان یافت که از رود کرج تا شهر، نه‌ری بریده، آب به شهر جاری کنند.» شاید اگر آن پروژه کامل می‌شد، تهران مسیر دیگری را در تاریخ آبرسانی خود طی می‌کرد، اما داستان آب پایتخت تازه آغاز شده بود و این ناکامی‌ها تنها بر عطش و آرزوی مردم برای جرعه‌ای آب پاک افزود.



«جوی‌های آلوده، بستر بیماری و قصه قنات‌های نفس‌گیر»

در اوایلین سال‌های قاجار، چند شرکت اروپایی کوشیدند با حفر چاه‌های عمیق در شمال تهران آب را به شهر بیاورند، اما شکست فنی و نبود راه‌های حمل‌ونقل پروژه‌ها را نیمه‌کاره گذاشت. آنچه باقی ماند، همان جوی‌های روبازی بود که جعفر شهری در «تهران قدیم» با نثری تلخ و تصویری تکان‌دهنده توصیف کرده است. آبی که چون مروارید از سرچشمه می‌غلغلتید، در مسیر به لجن‌زاری آلوده بدل می‌شد؛ لباس شویی، ظرف‌شویی، استحمام حیوانات و انباشت زباله آن را به گندابی متعفن تبدیل می‌کرد. این وضع تا دهه ۱۳۰۰ ادامه داشت، زمانی که بلدیة تازه‌تأسیس تهران با الهام از نمونه‌های موفق لوله‌کشی در مشهد و آبادان، طرح سد جاجرو در پیشنهاد داد تا هم برق تولید کند و هم آب را ذخیره کند. اما کمیته امتیازات، طرح را رد کرد و امید مردم بار دیگر نقش بر آب شد. سیدضیاءالدین طباطبایی در کوتاه‌مدت، فقط توانست اندکی از آلودگی آب‌ها بکاهد، بی‌آنکه مشکل ریشه‌ای را حل کند.



گروه اجتماعی | تهران این روزها شهری است که زیر آفتاب سوزان و آسمانی بی‌ابر، نفس‌های آخر تابستان را می‌کشد. پشت درهای بسته تصفیه‌خانه‌ها و دفاتر شرکت آب، جلسات فشرده و اضطراری یکی پس از دیگری برگزار می‌شود. سدهای اطراف پایتخت، که روزگاری در دل خود آرامش و اطمینان ذخیره می‌کردند، حالا تا مرز خالی‌شدن پیش رفته‌اند؛ به گفته مسئولان، ذخیره موجود فقط تا پایان شهریور دوام می‌آورد. در محله‌های مختلف، کاهش فشار آب به موضوع روز خانوارها بدل شده و استفاده از «لوازم کاهنده» در آشپزخانه و حمام، نه یک انتخاب که یک ضرورت است. در این میان، پروژه‌های بزرگ انتقال آب به‌ویژه خط انتقال از سد طالقان با سرعتی بی‌سابقه پیش می‌رود تا شاید چند مترمکعب بیشتر به رگ‌های خشکیده تهران برسد. وزیر نیرو وعده داده که سهم پایتخت از این طرح بین ۲ تا ۲.۵ مترمکعب در ثانیه خواهد بود؛ عددی که هر چند کوچک به نظر می‌رسد، اما در شرایط بحرانی می‌تواند حکم یک تنفس مصنوعی را داشته باشد. اما کارشناسان هشدار می‌دهند که این مسکن‌های کوتاه‌مدت، بدون اصلاح عمیق در مصرف، همچون ریختن آب در ظرفی سوراخ است. الگوی مصرف، به‌ویژه در بخش کشاورزی و تراکم بی‌ضابطه جمعیت، دو شکافی که هر قطره آب تازه را پیش از رسیدن به لب‌های تشنه شهر می‌بلعند. در تهران امروز، جمعیت چهار برابر بیش از ظرفیت اکولوژیک آن ساکن شده و مصرف کشاورزی تقریباً هم‌پای مصرف شرب است. بحران آب پایتخت نه فقط یک موضوع فنی و زیرساختی که معضلی برای مدیریت، سیاست‌گذاری و حتی آینده‌نگری کشور است؛ معضلی که اگر امروز درمان نشود، فردا شاید دیگر فرصتی برای جبران نماند.



فعالیت‌های کشاورزی به مناطق دیگر و کاهش سهم کشاورزی در سال‌های خشک، می‌تواند نقش مهمی در حفظ منابع داشته باشد. رئیس کمیسیون عمران مجلس هم تأکید می‌کند که «۸۰ تا ۹۰ درصد آب کشور در حوزه کشاورزی مصرف می‌شود» و بدون اصلاح الگوی کشت، بحران تشدید خواهد شد. او پیشنهاد می‌کند که توسعه صنعتی و اسکان جمعیت در کشور باید مشروط به تأمین آب پایدار باشد و مجلس آماده است برای این هدف مصوبات قانونی لازم را بگذارد. همچنین، مشوق‌هایی برای مشترکان خوش‌مصرف و برخورد جدی‌تر با پرمصرف‌ها را از راهکارهای مؤثر کاهش فشار بر منابع می‌داند.

جمعیتی که فراتر از توان شهر است

تهران امروز ۲۱ برابر میانگین کشوری تراکم جمعیت دارد. بیش‌بینی ظرفیت جمعیت‌پذیری در سال ۱۳۴۵ حدود ۴.۵ میلیون نفر بود، اما اکنون چهار برابر توان اکولوژیک آن جمعیت‌گذاری شده است. این حجم از تقاضا، هر برنامه‌ریزی آبی را تحت فشار گذاشته و حتی طرح‌های انتقال بین‌حوزه‌ای را به نفس‌انداخته است. کارشناسان شهری معتقدند که تا زمانی که بارگذاری جمعیتی با ظرفیت‌های واقعی اکولوژیک هماهنگ نشود، هر پروژه انتقال آبی، دیر یا زود زیر بار تقاضای جدید از نفس می‌افتد. به همین دلیل، سیاست‌گذاری برای کنترل مهاجرت به پایتخت و هدایت توسعه به مناطق کم‌فشار، بخشی جدانشدنی از مدیریت بحران آب است.

پساب؛ منبعی که نادیده مانده

یکی از راهکارهای مطرح برای کاهش فشار بر منابع شرب، استفاده از پساب تصفیه‌شده در صنعت و آبیاری فضای سبز است. رئیس کمیسیون عمران مجلس پیشنهاد کرده

رئیس‌جمهوری؛ در آب، برق، گاز، پول، تورم مشکل داریم. الان دیگر وقت انتخاب نیست، بلکه اجبار است. من نمی‌توانم آب را قطع نکنم؛ اصلاً انتخاب دیگری ندارم

شهرداری چاه‌های شرب را به وزارت نیرو واگذار کنند و در عوض، آب مورد نیاز فضای سبز از پساب تأمین شود. به گفته او، استفاده بهینه از پساب می‌تواند نه تنها در تهران، بلکه در سایر کلان‌شهرها نیز به الگویی پایدار تبدیل شود. این ایده، اگرچه در برخی مناطق جهان سابقه موفق دارد، اما در تهران هنوز به شکل گسترده اجرا نشده و به سرمایه‌گذاری و هماهنگی میان شهرداری و وزارت نیرو وابسته است. کارشناسان بر این باورند که تغییر نگرش نسبت به پساب، می‌تواند یکی از کلیدهای عبور از بحران باشد.

فشار بر شبکه و امید به صرفه‌جویی

در حال حاضر کاهش فشار شبکه، نصب لوازم کاهنده و آگاهی‌بخشی به مردم سه محور اصلی مدیریت مصرف هستند. ابتهاز پنه‌نص این تجهیزات را در قبوض درج می‌کند و برآورد می‌شود که بتوانند مصرف را ۱۵ تا ۲۰ درصد کاهش دهند. با وجود این، کاهش فنی در منطقه پنج تنها به هشت درصد رسیده و راه‌درازی تا رسیدن به اهداف صرفه‌جویی باقی است. مدیرعامل آبفای منطقه پنج همچنین از طرحی برای احداث آبگیر در پایین‌دست سد لار خبر می‌دهد تا آب‌های رهاشده

رگ‌های خشکیده پایتخت

کاهش بی‌سابقه بارش‌ها طی پنج سال اخیر، تهران را به نقطه‌ای رسانده که حتی مسئولان رسمی وزارت نیرو هم با صراحت می‌گویند: «تهران آب ندارد.» ذخایر سدهای تأمین‌کننده شرب، یکی پس از دیگری به مرز هشدار رسیده‌اند و در برخی مناطق، فشار شبکه به عمده پایین آورده شده تا بتوان چند هفته‌ای بیشتر تاب آورد. به گفته مدیرعامل آبفای منطقه پنج تهران اگر مردم همراهی نکنند حتی همین ذخایر هم پیش از پایان شهریور تمام می‌شود. این مقام مسئول تأکید می‌کند که اکنون وضعیت از «محدودیت» عبور کرده و به «تنش جدی آبی» رسیده است، شرایطی که به گفته کارشناسان، تنها با تغییر رفتار مصرف‌کنندگان و همراهی گسترده مردم می‌توان آن را مهار کرد. کاهش هشت درصدی مصرف در برخی مناطق، هر چند امیدوارکننده است، اما هنوز فاصله زیادی تا هدف‌گذاری‌های مدیریت بحران دارد.

امید به طالقان

در واکنش به این وضعیت، خط انتقال آب از سد طالقان به سه استان قزوین، البرز و تهران در دو فاز طراحی شده است. فاز نخست تا پایان مرداد بخش کرج را پوشش می‌دهد و نیمه مهر، کل سهم تهران وارد شبکه خواهد شد. وزیر نیرو این طرح را «گامی مؤثر اما نه راه‌حل نهایی» می‌داند. سهم پایتخت حدود ۲ تا ۲.۵ مترمکعب در ثانیه است، معادلی که شاید بخشی از کمبود را جبران کند اما به تنهایی نمی‌تواند بحران را خاتمه دهد. به گفته عباس علی‌آبادی، اجرای این پروژه‌ها به دلیل شرایط سخت فنی و محدودیت‌های منابع، چالش‌های زیادی داشته اما با پشتکار پیمانکاران و نیروهای فنی، با سرعت خوبی پیش می‌رود. او همچنین یادآوری می‌کند که ظرفیت تولید و تأمین آب در کشور محدود است و نمی‌توان مصرف فعلی را با واقعیت‌های اقلیمی ایران ادامه داد.

زخم کهنه مدیریت مصرف

کارشناسان محیط زیست بارها هشدار داده‌اند که انتقال آب، بدون اصلاح الگوی مصرف، هدررفت و نشست در شبکه، مانند ریختن آب در ظرف سوراخ است. دکتر صدیقه ترابی، معاون سازمان حفاظت محیط زیست، با اشاره به مجوز زیست‌محیطی این طرح می‌گوید: «کاهش ناشستی و تلفات باید اولویت اصلی وزارت نیرو باشد.» در تهران، هر چند درصد هدررفت نسبت به برخی شهرها کمتر است، اما همچنان میلیارد‌ها لیتر آب در مسیر تصفیه‌خانه تا خانه‌ها ناپدید می‌شود. ترابی تأکید می‌کند که کاهش هدررفت نیازمند سرمایه‌گذاری جدی و برنامه زمان‌بندی شده است، چرا که از یک نقطه به بعد، این مشکل را نمی‌توان با اقدامات سطحی برطرف کرد. او این رویکرد را «تقص غرض» می‌نامد، وقتی که آب تازه به شبکه می‌رسد اما بخش قابل توجهی از آن در مسیر از دست می‌رود.

کشاورزی در دل بحران

یکی از چالش‌های اصلی، سهم بالای کشاورزی در مصرف آب تهران است. سالانه بین ۱.۵ تا ۱.۶۵ میلیارد مترمکعب آب در مزارع این استان مصرف می‌شود؛ رقمی تقریباً برابر با کل مصرف شرب مردم. به باور کارشناسان، انتقال بخشی از



از بیلقان تا لیتان؛ سدسازی و آغاز عصر لوله‌کشی

تا سال ۱۳۰۶، تهران از ۲۶ قنات، روزانه حدود ۷۰۰ لیتر در ثانیه آب می‌گرفت. عملیات انتقال آب از رودخانه کرج به تهران آغاز شد و با گذشت چهار سال، ۵۳ کیلومتر مسیر حفر و لوله‌گذاری شد. اما رسوب‌گذاری و هدررفت آب، مشکل تازه‌ای بود. در ۱۳۱۸، شرکت «رژی عمومی راه آهن فرانسه» مأمور لوله‌کشی شد، ولی جنگ جهانی دوم کار را

متوقف کرد. وندال ویلکی، سیاستمدار آمریکایی، وضعیت را چنین خلاصه کرد: «جوی‌های شمال، آبی آلوده به کثافت دارند و جوی‌های جنوب، کثافتی آلوده به آب.» پس از سال‌ها تأخیر، نخستین کلنگ لوله‌کشی در میدان سنکلیج (پارک شهر امروز) به زمین خورد. ۱۳۲۴ خط اول لوله فولادی و تصفیه‌خانه جلایه افتتاح شد. سد امیر کبیر



تکلیف سوپر جام فوتبال ایران در ورزشگاه نقش جهان اصفهان مشخص خواهد شد

امشب اشکی می‌ریزد!

به گزارش هفت‌صبح ورزشی، دو تیم تراکتور تبریز (قهرمان لیگ برتر) و استقلال (قهرمان سوپر جام) در حالی به مصاف یکدیگر می‌روند که ریکاردو ساپینتو تجربه قهرمانی در سوپر جام را در کارنامه دارد.

سه سال پیش، تیم فوتبال استقلال تهران به عنوان قهرمان بی شکست لیگ بیست‌ویکم (با سرمربیگری فرهاد مجیدی) توانست با تک گل امیراسلان مطهری بسا برتری برابر نساجی مازندران قهرمان جام حذفی شود و برای اولین بار سوپر جام فوتبال ایران را بالای سر ببرد.

آن قهرمانی هشتمین جام استقلال با یک مربی خارجی بود و ساپینتو نام خود را در کنار اسامی همچون رابکوف بزرگ، کجیک و شفر قرار داد؛ ریکاردو ساپینتو تبدیل به دومین مربی خارجی فاتح جام به همراه استقلال پس از وینفرد شفر، در دوران پس از انقلاب شد.

از آن طرف تراکتور تبریز هرگز نتوانسته سوپر جام ایران را تصاحب کند؛ در حالی که سال ۱۳۹۹ قهرمان جام حذفی شده اما دستی از سوپر جام کوتاه ماند و حریف پرسپولیس نشد.

حالا این تیم تبریزی امیدوار است با درآگان اسکوچیچ و پس از قهرمانی مقتدرانه در لیگ برتر، بتواند با شکست دادن استقلال ساپینتو برای نخستین بار سوپر جام کشور را نیز تصاحب کند. شاید بزرگ‌ترین چالش دو تیم در این دیدار، درون دروازه

پرسپولیس

این پیروانی نه،یه پیروانی دیگه!

شاید کمتر کسی تا امروز به نقش مهم امیرحسین پیروانی، برادر بزرگ‌تر افشین، در تیم پرسپولیس پرداخته باشد.

زمانی که امیرحسین پیروانی به عنوان دستیار وحید هاشمیان در تیم پرسپولیس معرفی شد، خیلی‌ها شوکه شده یا تصور کردند، افشین پیروانی این پیشنهاد را به سرمربی جدید ارائه کرده است، درحالی‌که این چنین نبود.

امیرحسین پیروانی دارای مدرک پروایسنس (حرفه‌ای) کنفدراسیون فوتبال آسیا (AFC) بوده و همچنین دارای مدارک بین‌المللی مربیگری و مدرسی از کشورهای آلمان، سوئیس، اتریش و چند کشور آسیایی است. او به عنوان مدرس رسمی کنفدراسیون فوتبال آسیا، سابقه تدریس متعدد در کلاس‌های مربیگری A-B-C را دارد.

پیروانی بزرگ‌تر سال‌ها سابقه سرمربیگری در تیم ملی جوانان، تیم‌های لیگ برتری و دستیار مربیان شاغل در این رقابت‌ها را در کارنامه دارد و وحید هاشمیان با شناخت کافی از او برای همکاری دعوت به عمل آورده است.

از تمرینات سرخپوشان تهرانی خبر می‌رسد وحید هاشمیان به واسطه سال‌ها بازی در فوتبال آلمان و بوندس‌لیگا و البته روحیات خاص خودش، چندان با بازیکنان پرسپولیس گرم نمی‌گیرد و

باشد؛ جایی که آبی‌پوشان تهرانی، پس از عدم تمدید قرارداد سیدحسین حسینی، دروازه‌بان بازنشسته و سابق رئال مادرید را به تهران آوردند که یک سال از میادین رسمی و حتی تمرینات جدی دور بوده است!

هرچند شنیده می‌شود حبیب فرعباسی سنگربان سابق ملوان انزلی درون دروازه استقلال خواهد ایستاد.

از آن طرف تراکتوری‌ها امیدوار بودند که در پرونده شکایت باشگاه پرسپولیس از علیرضا بیرانوند، سرخ‌پوشان پایتخت شکست بخورند و بیرانوند پیروز شود تا خبری از محرومیت او نباشد اما این چنین نشد و در حالی‌رای دروازه‌بان شماره یک تراکتور به او ابلاغ شد که بیرانوند ۴ ماه از حضور در خط دروازه سرخ‌پوشان تبریزی محروم شده است. همین مسئله باعث شده تا تراکتوری‌ها که فعلاً فقط ادیب زارعی را در دسترس داشته باشند، جوانی که تبریزی‌ها خیلی از استعدادش تعریف می‌کنند اما برای سوپر جام، کم‌تجربه به نظر می‌رسد.

با این وجود اسکواد تراکتور تبریز کامل‌تر به نظر می‌رسد اما استقلال ساپینتو را نیز نمی‌توان دست‌کم گرفت. به هر روی امشب تکلیف سوپر جام مشخص و در هر صورت اشک‌هایی سرازیر خواهد شد؛ یک طرف اشک شوق و طرف دیگر اشک از روی ناراحتی و حسرت!

صمیمی نمی‌شود. هرچند این موضوع می‌تواند شامل مشکلاتی مانند عدم توانایی در انتقال موثر افکار و ایده‌ها و همچنین در ایجاد انگیزه و روحیه در تیم، یا عدم توانایی در پاسخگویی به سئوالات و انتقادات باشد اما به هر حال در تیم پرسپولیس حرف، حرف وحید هاشمیان است و سرمربی تلاش می‌کند با جدیتی کمتر دیده شده، تیمش را تمرین داده و هدایت کند. بنابراین و بسا توجه به سیاست کاری وحید هاشمیان که فلیکس ماگات سرمربی سخت‌گیر آلمانی را الگو قرار داده، حضور امیرحسین پیروانی یک موهبت برای بازیکنان پرسپولیس است. بازیکنانی که پرسش‌های تاکتیکی یا نظرات و پیشنهادات خود را با پیروانی بزرگ‌تر مطرح می‌کنند که به دلیل سال‌ها معلمی و تدریس در دانشگاه و کلاس‌های مربیگری از حوصله و آرامش خاصی برخوردار بوده و به گرمی پذیرای

شاگردان هاشمیان بوده است. از طرف دیگر، فردی که نقش رابط بین سرمربی و بازیکنان را ایفا می‌کند، معمولاً به عنوان دستیار مربی یا کمک مربی شناخته می‌شود. این فرد مسئولیت‌های مختلفی از جمله انتقال اطلاعات و دستورات سرمربی به بازیکنان، کمک به برنامه‌ریزی تمرینات و ایجاد ارتباط موثر بین کادر فنی و بازیکنان را برعهده دارد. همچنین ممکن است در برخی موارد، وظایف دیگری مانند ارزیابی عملکرد بازیکنان یا کمک به توسعه فردی آنها نیز به این فرد محول شود.

از آنجایی که امیرحسین پیروانی دستیار اول وحید هاشمیان در امور فنی، طراحی تمرین و اتخاذ تاکتیک‌های مختلف به‌شمار می‌رود، این ارتباط بین بازیکنان و سرمربی را به خوبی در تیم پرسپولیس ایجاد و رضایت همگان را جلب کرده است. امیرحسین پیروانی در حال حاضر از محبوبیت خاصی نیز نزد بازیکنان پرسپولیس برخوردار شده و هاشمیان نیز از این انتخاب خود به شدت راضی است.



قصاص گذشت کردند و متهمان صرفاً از جنبه عمومی جرم تحت محاکمه قرار گرفتند.

جلسه دادگاه

در آغاز جلسه، حامد به تشریح ماجرا و انگیزه قتل پرداخت: «حدود یک سال قبل با شیدا آشنا شدم. خیلی زود به او علاقه‌مند شدم. اما خانواده‌ام که سنتی بودند، وقتی از رابطه ما مطلع شدند، مخالفت شدید خود را ابراز کردند. پس از مدتی، فهمیدند شیدا پیش‌تر یک ازدواج ناموفق داشته و همین موضوع مخالفت آنها را تشدید کرد. هر چه تلاش کردم رضایتشان را جلب کنم، موفق نشدم. در نهایت، تصمیم گرفتم بدون اطلاع خانواده با شیدا ازدواج کنم.

پس از ازدواج، حدود دو ماه از خانه دور بودم و وقتی بازگشتم، خانواده‌ام مرا نپذیرفتند و طردم کردند. در این شرایط، تصمیم گرفتم هر چه دارم بفروشم و به کانادا مهاجرت کنم. برای این کار با ارزنگ که دوست صمیمی‌ام بود، مشورت کردم و از او خواست تا زمان آماده‌شدن ویزا، من و شیدا را در خانه‌اش بپذیرد. او موافقت کرد و ما مدتی مهمان او بودیم.

پس از مدتی، فهمیدند شیدا پیش‌تر یک ازدواج ناموفق داشته و همین موضوع مخالفت آنها را تشدید کرد. هر چه تلاش کردم رضایتشان را جلب کنم، موفق نشدم. در نهایت، تصمیم گرفتم بدون اطلاع خانواده با شیدا ازدواج کنم.

پس از ازدواج، حدود دو ماه از خانه دور بودم و وقتی بازگشتم، خانواده‌ام مرا نپذیرفتند و طردم کردند. در این شرایط، تصمیم گرفتم هر چه دارم بفروشم و به کانادا مهاجرت کنم. برای این کار با ارزنگ که دوست صمیمی‌ام بود، مشورت کردم و از او خواست تا زمان آماده‌شدن ویزا، من و شیدا را در خانه‌اش بپذیرد. او موافقت کرد و ما مدتی مهمان او بودیم.

پس از مدتی، فهمیدند شیدا پیش‌تر یک ازدواج ناموفق داشته و همین موضوع مخالفت آنها را تشدید کرد. هر چه تلاش کردم رضایتشان را جلب کنم، موفق نشدم. در نهایت، تصمیم گرفتم بدون اطلاع خانواده با شیدا ازدواج کنم.

پس از ازدواج، حدود دو ماه از خانه دور بودم و وقتی بازگشتم، خانواده‌ام مرا نپذیرفتند و طردم کردند. در این شرایط، تصمیم گرفتم هر چه دارم بفروشم و به کانادا مهاجرت کنم. برای این کار با ارزنگ که دوست صمیمی‌ام بود، مشورت کردم و از او خواست تا زمان آماده‌شدن ویزا، من و شیدا را در خانه‌اش بپذیرد. او موافقت کرد و ما مدتی مهمان او بودیم.

مرد جوان انگیزه خود از قتل رفیق صمیمی‌اش را تجاوز مقتول به همسرش عنوان کرد

افشای راز جنایت زوج جوان هنگام سرقت

نوعروس با رای دادگاه از اتهام مشارکت در قتل عمدی تبرئه شد



فاطمه شیخ‌علیزاده دبیر حوادث

اواسط سال ۱۴۰۲، مرد میانسالی با مرکز فورت‌های پلیس تماس گرفت و با صدایی مضطرب گفت: «به دادم برسید، دو نفر در خانه مستاجر من در طبقه پایین مشغول سرقت هستند. حضور آنها باعث وحشت من شده و در حال خارج کردن وسایل خانه او هستند.»

به دنبال ایسن تماس، تیمی از مأموران پلیس به نشانی اعلامی در نظر آباد کرج اعزام شدند. نیروهای انتظامی در محل، زن و مردی را حین جابه‌جایی وسایل شناسایی کرده و در همان لحظه دستگیر کردند.

صاحبخانه پیش از حضور مأموران، با خواهر مستاجر نیز تماس گرفته و او را در جریان ماجرا گذاشته بود. وی گفته بود: «به خانه برادر تان آمده‌اند و در حال سرقت هستند، سریع خودتان را برسانید.»

خواهر مستاجر لحظاتی بعد در محل حاضر شد و با نگرانی به مأموران گفت: «برادرم ارزنگ، حدود دو هفته پیش ناپدید شد. چندین بار با او تماس گرفتم اما پاسخ نداد. تصور کردیم شاید به سفر رفته باشد، زیرا مدتی بود ارتباطش با ما کم شده بود. اما اکنون که شاهد سرقت از خانه او هستیم، به ناپدید شدنش نیز مشکوک شده‌ام.»

اعتراف به قتل و کشف جسد

زوج دستگیر شده به کلاントری منتقل شدند. در جریان بازجویی، مرد جوان به نام حامد سپس از لحظاتی سکوت لب به اعتراف گشود و گفت: «ارزنگ دوست صمیمی من بود. مدتی در خانه او زندگی می‌کردم. روز حادثه با او درگیر شدم و مشاجره ما به ضرب و جرح شدید انجامید. در نهایت، در اوج خشم با چاقو چندین ضربه به او وارد کردم که باعث مرگش شد. جسد را به بیابان‌های اطراف نظر آباد بردم و دفن کردم. بعدتر به فکر سرقت از خانه‌اش افتادم که هنگام اجرا به دام افتادم.»

با اظهارات متهم، مأموران به محل دفن جسد رفتند و با راهنمایی او، پیکر مقتول را از زیر خاک خارج کردند. بررسی‌ها نشان داد که همسر حامد، زنی به نام شیدا، نیز از ماجرا باخبر بوده است. او نیز بازداشت و همراه شوهرش تحویل مراجع قضایی شد.

با تکمیل تحقیقات، کیفرخواست علیه حامد و شیدا به اتهام مشارکت در قتل عمد صادر و پرونده برای رسیدگی به شعبه یازدهم دادگاه کیفری یک استان تهران ارسال شد.

اولیای دم مقتول، در مرحله تحقیقات مقدماتی، از حق

مهدی مهدی‌پور: استقلال بامن خوب تا نکر دامابه ساپینتوزنگ زددم وتبریک گفتم

گفت وگوبا آقای پاس گل سابق استقلال؛مهم ترین پاس گل‌م را به ارسلان مطهری دادم

در مورد خودم که نمی‌توانم چیزی بگویم اما مصدومیت کوبن هم تلخ بود و هم خیلی به استقلال لطمه زد. البته بعد از مصدومیت رباط صلیبی، باشگاه استقلال خیلی به من کم‌لطفی کرد و خاطره تلخی از این بابت در ذهنم مانده است. من در مسابقه رسمی استقلال مصدوم شدم و انتظار بیشتری از باشگاه داشتم اما... بگذریم!

● **به نظر تو نتیجه این سوپر جام چه می‌شود؟**
بازی بسیار سختی به نظر می‌رسد. شاید شرایط تراکتور بهتر به نظر برسد و روی کاغذ شانس بیشتری داشته باشد اما سوپر جام تک‌بازی است. هر تیمی از تک موقعیت‌ها بهتر استفاده کند، می‌تواند برنده این مسابقه لقب بگیرد. می‌خواستم بگویم که آنقدرها هم شرایط تیم‌ها در نتیجه مسابقه دخیل نیست.

● **سال ۱۴۰۱ که به عنوان قهرمانی رسیدید، همین ریکاردو ساپینتو سرمربی استقلال بود. این مسئله و تجربه خوب بردن سوپر جام، کفه ترازو را به سمت ساپینتو سنگین‌تر نمی‌کند؟**
بله، ما بسا ساپینتو قهرمان سوپر جام شدیم. حالا می‌تواند از تجربه آن تک‌بازی استفاده کند؛ هر چند اسکوچیچ هم تجربه زیادی در فوتبال ایران دارد.

● **تو یکی از شاگردان مورد علاقه ساپینتو بودی. بعد از اینکه دوباره هدایت استقلال را برعهده گرفت، تماسی با تو نداشت یا پیشنهاد پوشیدن پیراهن این تیم را نداد؟**
من با او تماس گرفتم که تبریک بگویم. ساپینتو هم به من گفت که در دو سال گذشته فوتبال ایران را دنبال نکرده و شناختی ندارد. صحبت ما در همین حد بود.

● **به عنوان پرسش آخر، این احتمال وجود دارد که دوباره به استقلال برگردی؟**
در حال حاضر فقط و فقط تمرکز من روی تیم آلومینیوم اراک است و تلاش می‌کنم بازیکن مفیدی برای این تیم در فصل جدید باشم.

امشب تراکتور تبریز قهرمان لیگ برتر و استقلال قهرمان جام حذفی، در نصف جهان به مصاف یکدیگر می‌روند. تکلیف سوپر جام کشور امشب درحالی مشخص می‌شود که آخرین قهرمانی استقلال در سوپر جام، ۱۱ آبان سال ۱۴۰۱ رقم خورد.

آن روز درحالی که دیدار استقلال (قهرمان لیگ برتر) و نساجی مازندران (قهرمان جام حذفی)، با تساوی بدون گل پیش می‌رفت، ارسلان مطهری با ضربه سری دیدنی گل برتری آبی‌پوشان تهرانی را به ثمر رساند.

پاس گل آن دیدار را مهدی مهدی‌پور از روی نقطه کرنر ارسال کرد که امروز مهمان مصاحبه تلفنی ما شد؛

● **بدون هیچ مقدمه‌ای می‌خواهیم به سال ۱۴۰۱ برگردیم و روزی که استقلال با برتری یک بر صفر مقابل نساجی مازندران، برنده سوپر جام شد. از آن روز بگو؟**
یک روز خاص برای همه ما و خود من بود. ما قهرمان لیگ برتر شده و یک جام برده بودیم و این دومین جام برای استقلال بود. اولی با سرمربیگری آقا فرهاد (مجیدی) رقم خورد و در دومی هم ریکاردو ساپینتو سرمربی بود.

● **گل پیروزی استقلال را ارسلان مطهری در حالی به ثمر رساند که پاس گل را تو از روی نقطه کرنر ارسال کردی. توضیح می‌دهی؟**
همه ما برای آن بازی انگیزه داشتیم. خود من خیلی انگیزه داشتم و خدا را شکر توانستم یک پاس گل دیگر بدهم. فکر می‌کنم مهم‌ترین پاس گل من در استقلال بود که به ارسلان مطهری دادم و تبدیل به گل پیروزی شد.

● **می‌توانی بگویی چند پاس گل در استقلال دادی؟**
دقیق نشمرده‌ام اما بچه‌ها لطف زیادی داشته و لقب آقای پاس گل را به من داده بودند. زمان جواد نکونام در استقلال ۴ پاس گل دادم که از قضا هر ۴ پاس تبدیل به گل‌های ۳ امتیازی شد.

● **شاید یکی از دلایل از دست رفتن قهرمانی استقلال دو فصل پیش، مصدومیت تو و کوبن بامگا بود؟**

پایان کابوس قصاص برای قاتلان میدان آرژانتین

فرزند نوجوان مقتول با حضور در دادگاه از خون پدرش گذشت کرد

هدف صرفا تنبیه مجید بوده است.

سهیل نیز در ادامه گفت: «هیچ‌گاه تصور نمی‌کردم ماجرا به قتل ختم شود. مدتی قبل با همسر مجید ارتباط مالی داشتم، ولی او باور نکرد. حالا هم با عذاب وجدان زندگی می‌کنم و فقط امیدوارم خانواده‌اش مرا ببخشند.»

در دادگاه

چند ماه بعد، پرونده با تکمیل تحقیقات به دادگاه کیفری ارسال شد. جلسه محاکمه در حالی برگزار شد که ولی‌دم قانونی مقتول، فرزند خردسال او بود و نماینده دادستان با توجه به جنایت در روز روشن و در ملأعام، درخواست اشد مجازات را مطرح کرد. در جریان محاکمه، دو موتورسوار به اتهام مشارکت در قتل و سهیل و فرشاد به اتهام معاونت در قتل محاکمه شدند. پس از بررسی شواهد، قضات دو موتورسوار را به قصاص نفس و سهیل و فرشاد را به حبس طولانی‌مدت محکوم کردند.

پایان کابوس اعدام

با تأیید حکم در دیوان عالی کشور، دو متهم اصلی در آستانه اجرای حکم قرار گرفتند. اما تلاش خانواده‌ها و میانجی‌گری ریش‌سفیدان باعث شد ولی‌دم از بخشی از حق قصاص گذشت کند. ابتدا نماینده قانونی فرزند صغیر مقتول بسا دریافت مبلغی به عنوان وجه‌المصالحه رضایت خود را اعلام کرد. تا اینکه هفته قبل زمانی که فرزند مقتول به سن قانونی رسید، او نیز با مراجعه به دادگاه، رضایت رسمی خود را نسبت به قاتلان پدرش ثبت کرد. به این ترتیب، دو مردی که سال‌ها در سایه مرگ و ترس زندگی می‌کردند، سرایه‌گر سنگینی قصاص زندگی کرده بودند، از طناب دار رای‌های یافتند. اکنون، پرونده از جنبه عمومی جرم همچنان باز است و متهمان به زودی برای پاسخگویی به این اتهام در برابر قضا قرار خواهند گرفت.

این ماجرا، اگرچه با گذشت خانواده مقتول از خون‌خواهی پایان یافت، اما یادآور این حقیقت تلخ است که یک لحظه خشم و تصمیمی نسنجیده می‌تواند به فاجعه‌ای منجر شود که سال‌ها سایه سنگینش بر زندگی چندین خانواده بماند.

یک انتقام‌گیری خونین مشکوک شود.

سهیل شناسایی و بازداشت شد. او ابتدا سعی داشت خود را بی‌ارتباط با ماجرا نشان دهد، اما وقتی متوجه شد که مأموران از بسیاری از جزئیات درگیری و روابط پیشین او و مقتول آگاه‌اند، تصمیم گرفت حقیقت را بیان کند.

اعتراف تلخ

سهیل در اعترافش گفت: «مدتی پیش، مجید به من اتهام وارد کرد که با همسرش رابطه دارم. من چنین چیزی را انکار کردم و گفتم که ارتباطمان فقط در حد مسائل مالی است، اما او باور نکرد. با عصبانیت مرا کتک زد و شیشه‌های ماشینم را شکست. بعد از آن ماجرا احساس تحقیر و خشم شدیدی داشتم و مدام به این فکر می‌کردم که باید تلافی کنم.»

او توضیح داد که همان روز، در حالی که از نظر روحی آشفته بود، به سراغ پسرعمویش «فرشاد» رفت که در منطقه چهاردانگه کارگاه چوب‌بری داشت. سهیل ادامه داد: «وقتی فرشاد حال و روزم را دید، علتش را پرسید. ماجرا را برایش تعریف کردم. او گفت دو نفر را می‌شناسد که در ازای پول هر کاری انجام می‌دهند. گفت می‌تواند با آنها صحبت کند تا مجید را ادا کنند. بعد از تماس فرشاد با آن دو نفر، قرار شد در ازای ۱۲ هزار دلار، روز حادثه سر راه مجید بروند و او را با چاقو بزنند.»

دستگیری همدستان

با اعترافات سهیل، مأموران فرشاد و دو مرد موتورسواری که در حمله شرکت داشتند را شناسایی و بازداشت کردند. هر چهار نفر به اداره آگاهی منتقل و تحت بازجویی قرار گرفتند. یکی از موتورسواران در تحقیقات گفت: «فرشاد پیشنهاد پول داد تا مجید را زخمی کنیم. من و دوستم قبول کردیم، اما قصد کشتن نداشتیم.

فقط قرار بود او را بترسانیم.»

همدست او نیز این روایت را تأیید کرد: «چند ضربه زدم، ولی فکر نمی‌کردم باعث مرگش شود. تصور این بود که فقط یک هشدار جدی بدهیم.» فرشاد هم در اظهاراتش پذیرفت که با معرفی این دو نفر به سهیل در ماجرا نقش داشته است، اما مدعی شد که «کسی قرار نبود کشته شود» و

